

توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی

مقدمه

اصول و اصطلاحات دستور زبان که امروزه نیز به کار برده می‌شوند، اولین بار در قرن چهارم پیش از میلاد از سوی ارسطو مطرح شد و پس از آن به تدریج با عنوان «دستور سنتی»^۱ قوام یافت. از اوایل قرن بیستم در اروپا و آمریکا گرایش تازه‌ای با نام «ساختارگرایی»^۲ در زبان‌شناسی شکل گرفت. اینان می‌کوشیدند با روش‌های علمی به مطالعه زبان بپردازند و به این ترتیب بسیاری از سنت‌های دستورنویسی اعتبار خود را از دست داد و برای توصیف ساختمان زبان، شیوه‌های تازه‌ای پدید آمد. زبان‌شناس سوئیسی، فردینان دو سوسور^۳، اولین کسی است که به اندیشه‌های زبان‌شناسی نوین شکل داد و از همین رو بسیاری او را پدر زبان‌شناسی نوین می‌دانند. اندیشه‌های او در تعیین مسیر زبان‌شناسی جدید نقش قابل‌انکاری داشت و بزرگ‌ترین مکتب‌های زبان‌شناسی مانند پراگ، کپنهاگ و آمریکا از این نظرات الهام گرفتند.

سوسور میان زبان‌شناسی تاریخی و زبان‌شناسی توصیفی مرزبندی کرد. مطابق این تفکر زبان‌شناسی تاریخی از مسیر تغییر و تحول زبان از ابتدا تا صورت امروزی بحث می‌کند در حالی که زبان‌شناسی توصیفی تنها وضع فعلی زبان را توصیف می‌کند.

پس از آن، نوآم چامسکی^۴ که خود در مکتب زبان‌شناسی ساختارگرا پرورش یافته بود در سال ۱۹۵۷ میلادی با انتشار کتاب خود «ساختارهای نحوی»^۵ انقلابی در زبان‌شناسی برپا کرد. اندیشه چامسکی نه تنها در زبان‌شناسان معاصر بلکه در دانشمندان سایر رشته‌های علمی نیز تأثیر گذاشت. به این ترتیب وی تلاش کرد تا

دستورگشتاری^۶ را جانشین دستورساختاری کند. در ایران مرحوم میرزا حبیب اصفهانی را باید اولین دستورنویس فارسی دانست. پس از او عبدالعیم خان قریب با سه دوره دستور زبان فارسی که نوشت، سنت دستورنویسی در ایران را رونق بخشید. بعد از دستور قریب، دستور پنج استاد سالها در مدارس تدریس شد و پس از آن نیز دستورهای زیادی برای زبان فارسی نوشته شد که همگی در طبقه «دستور سنتی» قرار می‌گیرند. دستورهای سنتی دارای معایی هستند از جمله اینکه این دستورزبانها بر بنیاد هیچ نظریه عمومی زبان قرارنگرفته‌اند، اکثر این دستورها ساخت و فرم را با معنی مخلوط کرده‌اند و از روی معنی، صورت زبان را تعریف می‌کنند. در این دستورها گونه‌های مختلف زبان از نظر زمان، مکان و کاربرد تفکیک نشده‌اند و همچنین این دستورها تجویزی هستند نه توصیفی.

اولین دستور ساختاری زبان فارسی به وسیله دکتر محمدرضا باطنی و با عنوان «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» در سال ۱۳۴۸ منتشر شد. این کتاب که متمایز با سایر دستورزبانهای فارسی است براساس تجزیه و تحلیل حدود یازده هزار جمله فارسی برگرفته از کتابها، مجلات، روزنامه‌ها، نوشته‌ها و گفت‌وگوهای روزمره است. سعی نویسنده بر آن بوده که بر مبنای یک نظریه عمومی زبان و با شیوه‌های علمی و نوین زبان‌شناسی روابط ساختمان زبان فارسی را توصیف کند و تا حد امکان از ملاحظات معنایی پرهیز شود.



ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان آمده است، توصیف و به مقوله‌هایی نظیر زبان و زبان‌شناسی، نظریه عمومی زبان و عیوب دستور زبانهای موجود اشاره می‌شود. در صفحه ۱۴ ذیل بخش ۱-۷ با عنوان نظریه عمومی زبان نام سه نظریه Tagmemics, Scale and Category, Transformation : آورده شده است ولی در ادامه هیچ معرفی‌ای از این سه نظریه ارائه نمی‌شود. علاوه بر این توضیحی در خصوص علت انتخاب نظریه Scale and Category از بین سه نظریه فوق به عنوان نظریه بنیادی کتاب حاضر بیان نمی‌شود. شاید یک معرفی چندسطری از این سه نظریه بتواند خواننده را به متن نزدیک‌تر کند.

از سویی دیگر در فصل دوم که به بحث درباره نظریه 'Scale and Category' می‌پردازد، این نظریه با ترجمه فارسی و به نام نظریه مقوله و میزان معرفی می‌شود؛ در حالی که در فصل اول از همان عنوان انگلیسی نظریه استفاده شده است. بنابراین مناسب است یکی از عنوانهای فارسی یا انگلیسی برای این نظریه انتخاب و در تمام فصول کتاب با همان نام به کار برده شود. در صورتی که عنوان مقوله و میزان را برای این نظریه برگزینیم باید برای هر کدام از دو نظریه دیگر نیز یک معادل فارسی ارائه کنیم.

فصل دوم. نظریه زبانی مقوله و میزان

در این فصل طرحی کلی از نظریه زبانی مقوله و میزان ارائه می‌شود و نویسنده از دیدگاه این نظریه زبان را مورد بررسی قرار می‌دهد و شبکه روابطی را که قسمتهای مختلف زبان با هم

از آنجا که سالهای زیادی از تألیف این کتاب می‌گذرد، نیاز به ویرایشی جدید و امروزی از این کتاب ضروری به نظر می‌رسد. آنچه در پی می‌آید نگاه دیگری است به این کتاب و مباحث ساختاری آن که سعی شده برای درک بهتر و تصویر روشن‌تر، ساختهای آن با نمودار ترسیم شود. همچنین نحوه فصل‌بندی، تواتر مباحث، تعریف اصطلاحات و سایر مطالب کتاب بررسی شده است.

به نظر می‌رسد ارائه یک ویرایش جدید از این کتاب و رفع اشکالهای جزئی و تقسیم‌بندی دقیق‌تر مباحث، احیای مجدد آن را به دنبال خواهد داشت و منظور نوشته حاضر نیز جز این نیست. این مقاله مطابق با فصل‌بندی کتاب پیش می‌رود و ابتدا به معرفی هر فصل و مباحث مطرح شده در آن می‌پردازد، سپس نکات و تذکرات مربوط به آن را یادآور می‌شود.

فصل اول. دیباچه

در این فصل واژه‌هایی که در عنوان کتاب یعنی توصیف

برقرار می‌کنند. مطرح می‌سازد که ماده اولیه، دستگاه صوتی، دستگاه خط، دستور، واژگان، بافت و محیط از آن جمله‌اند.

در بخش ۲-۵ و در توضیح دستگاه صوتی به صورت پراکنده به خصوصیات ممیز زبانهای مختلف اشاره می‌شود که مناسب تر است تحت یک عنوان و به صورت منسجم همراه با فهرستی از نام خصوصیات ممیز زبان در ابتدای آن ارائه شود و کلاً بخشهای مختلف این فصل برخلاف سایر فصلها فاقد عنوان و تیترا هستند.

در بخش ۲-۸، دستور و واژگان به صورت زیر تعریف می‌شود: دستور به آن قسمت از جنبه صوتی زبان گفته می‌شود که در آن طبقات بسته عمل می‌کنند. واژگان به آن قسمت از جنبه صوتی زبان گفته می‌شود که در آن طبقات باز عمل می‌کنند. در این دو تعریف از واژه 'طبقه' استفاده شده است؛ درحالی که تا این جای کتاب خواننده نمی‌داند 'طبقه' چیست؟ و تعریف 'طبقه' در فصل سوم بیان می‌شود. استفاده از یک واژه پیش از تعریف آن در چند جای دیگر نیز به چشم می‌خورد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

فصل سوم. مقولات دستوری نظریه عمومی زبان

در این فصل آن قسمت از نظریه عمومی زبان که مربوط به دستور است توضیح داده می‌شود و در آن مباحثی همچون محورهای زنجیری و انتخابی و چهارمقوله مربوط به دستور یعنی واحد ۷، ساختمان ۸، طبقه ۹ و دستگاه ۱۰ مطرح و در پایان به سه میزان دستوری که عبارت اند از: میزان مراتب ۱۱، میزان نمود ۱۲ و میزان تحلیل ۱۳ اشاره می‌شود.

در صفحه ۴۳، ذیل بخش ۳-۶ چهارمقوله دستوری معرفی می‌شوند که یکی از این مقوله‌ها را 'طبقه' نامیده‌اند. از آنجا که واژه 'طبقه' در فصل قبل (صفحه ۳۰) و در ابتدای همین فصل (صفحه ۳۸) در رابطه با محورهای زنجیری و انتخابی با مفهومی دیگر و به صورت 'طبقه بسته'، 'طبقه باز'، 'طبقه ضمیر'، 'طبقه اسم' و ... به کار برده شده است، ممکن است موجب خلط معنی در ذهن خواننده شود. برای پرهیز از این امر می‌توان این مقوله را 'طبقه دستوری' نامگذاری کرد. این موضوع در رابطه با واژه 'دستگاه' نیز صدق می‌کند و خواننده پیش از این با مفهومی مانند 'دستگاه صوتی'، 'دستگاه خط' و ... در فصل دوم برخورد کرده است. بنابراین مناسب است در اینجا به جای واژه 'دستگاه' از 'دستگاه دستوری' استفاده شود.

با توجه به اینکه از تألیف کتاب حاضر سالهای متمادی می‌گذرد و یکی از شاخصهای زبان شناسی توصیفی، صورت امروزی زبان است بعضی از مثالهای این کتاب باید تغییر کند که مثالهای صفحه ۵۲، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۰ از آن جمله‌اند.

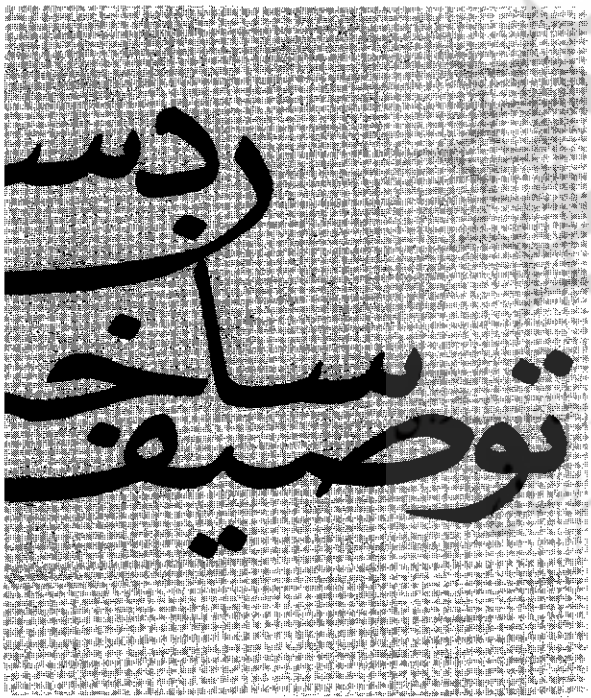
فصل چهارم. ساختمان جمله

این فصل با معرفی پنج واحد زبان فارسی که عبارت اند از: جمله ۱۴، بند ۱۵، گروه ۱۶، کلمه ۱۷ و واژگان ۱۸ آغاز می‌شود و در ادامه ساختمان جمله و انواع آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سایر واحدها به ترتیب در فصلهای بعد مطرح می‌شود.

یک نکته اساسی که باید به آن اشاره کرد این است که معرفی این پنج واحد به صورت سلسله مراتب ۱۹ و از بزرگ به کوچک صورت گرفته است. این ترتیب معرفی باعث شده است 'جمله' براساس

واحد ساختمانی اش یعنی 'بند' تعریف شود. در حالی که خود 'بند' هنوز تعریف نشده است و به همین ترتیب در فصل بعد 'بند' براساس واحد ساختمانی اش یعنی 'گروه' تعریف می‌شود در حالی که هنوز 'گروه' تعریف نشده است و به همین ترتیب تا آخر. اما اگر ترتیب فصلها براساس سلسله مراتب و از واحد کوچک تر به بزرگ تر صورت می‌گرفت آنگاه ابتدا 'واژگان' تعریف می‌شد و براساس آن 'کلمه' و براساس 'کلمه'، 'گروه' و به همین ترتیب تا بزرگ ترین واحد. به این ترتیب هر واحد براساس واحد کوچک تری که قبلاً تعریف شده است، معرفی می‌شد و هیچ ابهامی در تعریفها به وجود نمی‌آمد.

نکته قابل ملاحظه دیگر در فصل چهارم، آشفتگی در ترتیب بخشهای زیرمجموعه آن است. در این فصل با پنج واژه: جمله هسته‌ای، جمله خوشه‌ای، تکرار همپایه، تکرار ناهمپایه و لانه گیری روبه رو هستیم. مطابق بخش ۴-۲، جمله فارسی به دو گونه جمله هسته‌ای و جمله خوشه‌ای تقسیم می‌شود. با کمی دقت متوجه می‌شویم که تکرار همپایه یک زیرمجموعه‌ای از جمله خوشه‌ای است و تکرار همپایه و ناهمپایه که به ترتیب در بخشهای ۴-۷ و ۴-۸ توضیح داده شده‌اند در واقع یک تقسیم بندی دیگری از جمله است و مفهوم لانه گیری نیز حالتی است که تنها در جملات



خوشه‌ای ایجاد می‌شود. بنابراین بدیهی است که برای درک مفاهیم تکرار همپایه، ناهمپایه و لانه گیری ابتدا لازم است که جمله خوشه‌ای را بشناسیم. اما برخلاف انتظار جمله خوشه‌ای در پایان فصل، در بخش ۴-۱۳ تعریف می‌شود.

از سوی دیگر آن تقسیم بندی که در ابتدای فصل در بخش ۴-۲ برای جمله‌های فارسی به صورت جمله هسته‌ای و جمله خوشه‌ای صورت گرفته است، پس از تعریف جمله هسته‌ای ناگهان ناتمام رها شده و یک تقسیم بندی دیگر از جمله که شامل تکرار همپایه و ناهمپایه است مطرح می‌شود. این تداخل تقسیم بندیها خواننده را دچار سردرگمی می‌کند.

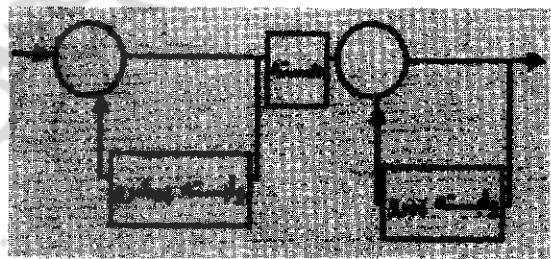
حال در صورتی که پس از تعریف جمله هسته‌ای، جمله خوشه‌ای و پس از آن تکرار همپایه، ناهمپایه و در آخر لانه گیری مطرح شود، این ابهام به وجود نخواهد آمد.

در بخش ۴-۴ در حالی از واژه‌های بند آزاد و بند مقید صحبت به میان می‌آید که مفهوم بند در فصل بعدی تعریف می‌شود.

در حالی که بخش ۴-۵ به توصیف جمله هسته‌ای می‌پردازد، مثالی که در آن آمده است یعنی جمله: اگر تلفن کرد، تو حتماً برو و او را ببین. یک جمله خوشه‌ای است. همچنین واژه‌های هسته دوقلو، سه قلو یا چندقلو که در این بخش آمده در واقع نام دیگری بر جمله خوشه‌ای است که جای آن اصلاً در این بخش نیست. در واقع واژه‌های جمله خوشه‌ای، هسته دوقلو، سه قلو یا چندقلو معادل هم هستند و به یک مفهوم دلالت می‌کنند، بنابراین لزومی ندارد برای یک مفهوم ثابت چند واژه معادل لحاظ شود.

در بخش ۴-۵ فرمول کلی جمله هسته‌ای در فارسی به صورت ه (و) بیان شده است؛ در حالی که می‌دانیم وابسته‌ها می‌توانند قبل از هسته نیز بیایند که در این صورت به آنها وابسته پیشرو می‌گویند. از طرفی شرط جمله هسته‌ای - مطابق تعریف صفحه ۶۰- آن است که تنها یک هسته داشته باشد پس عنصر هسته نمی‌تواند تکرار شود. بنابراین فرمول کلی جمله هسته‌ای به صورت (و) ه (و) خواهد بود.

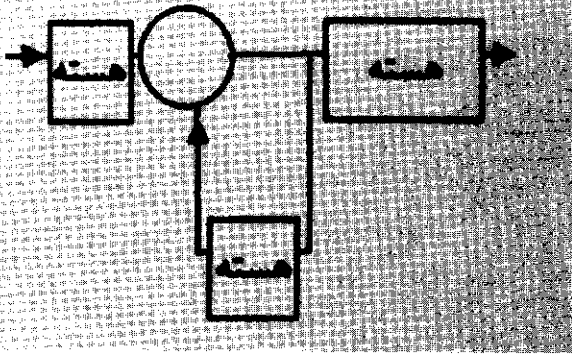
جمله هسته‌ای را می‌توان با استفاده از نمودار Flowgraph به صورت زیر نشان داد:



نمودار ۱. جمله هسته‌ای

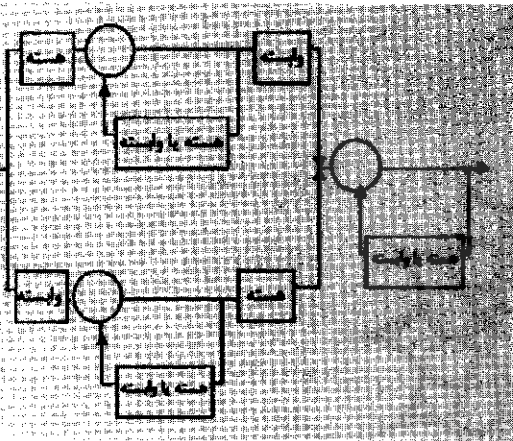
مطابق نمودار بالا در تشکیل جمله تنها هسته ضروری است و در حلقه‌ها می‌توانیم به دلخواه حرکت بسته داشته باشیم. در صورتی که در حلقه اول یک یا چند بار حرکت بسته داشته باشیم آن جمله به ترتیب یک یا چند وابسته پیشرو خواهد داشت و به همین ترتیب اگر در حلقه دوم یک یا چند حرکت بسته داشته باشیم آن جمله به ترتیب دارای یک یا چند جمله پیرو خواهد بود. به این ترتیب تمام حالت‌های ممکن برای یک جمله هسته‌ای را می‌توان از طریق این نمودار به دست آورد. مثلاً چنانچه در حلقه اول یک بار و در حلقه دوم دو بار حرکت بسته داشته باشیم، جمله‌ای با ساختار 'و ه و' حاصل می‌شود یا اگر در حلقه اول حرکت بسته نداشته و در حلقه دوم یک بار حرکت بسته داشته باشیم، جمله‌ای با ساختار 'ه و' نمایان می‌شود. به همین ترتیب می‌توان انواع مختلف جمله‌های هسته‌ای را نشان داد.

به همین ترتیب نمودار تکرار همپایه به صورت ذیل خواهد بود:



نمودار ۲. تکرار همپایه

همچنین تکرار ناهمپایه می‌تواند به صورت ذیل بیان شود:



نمودار ۳. تکرار ناهمپایه

فصل پنجم. ساختمان بند

این فصل به بررسی ساختمان، انواع و دستگاه‌های مربوط به بند می‌پردازد. در اینجا نیز بند در حالی براساس گروه تعریف می‌شود که تعریف گروه در فصل بعد آمده است.



در بخش‌های ۶-۵ و ۷-۵ ملاک‌هایی برای تشخیص سه عنصر مسندالیه، متمم و ادات وقتی که گروه اسمی نماینده هر سه عنصر در ساختمان بند باشد، ارائه شده است. با استفاده از Flowchart می‌توان نمودار تشخیص این سه عنصر را به صورت زیر ترسیم کرد:

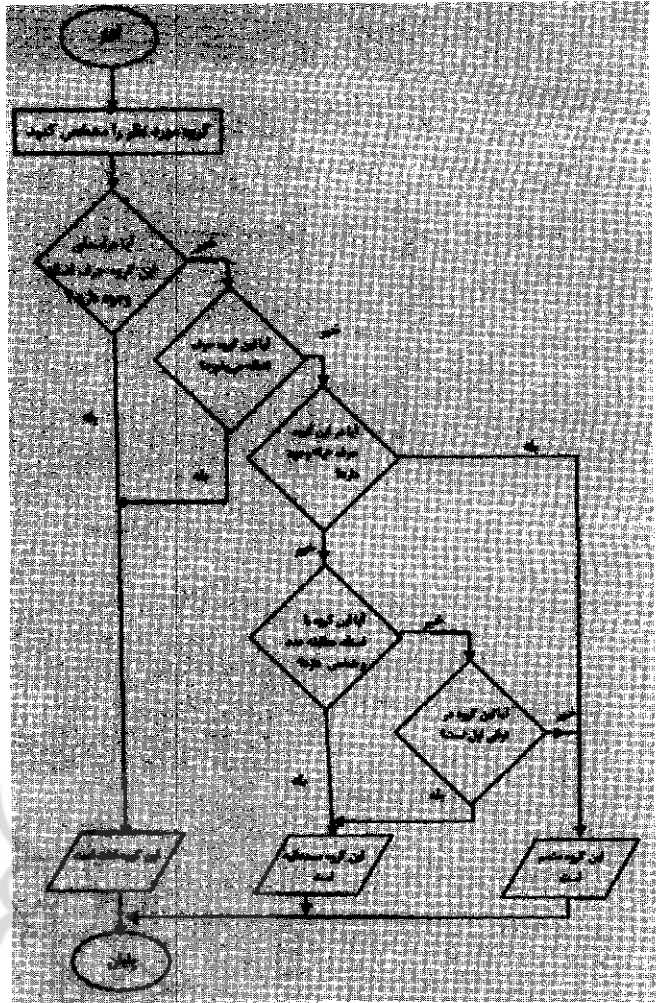
در صفحه ۸۱ ذیل بخش ۵-۱۰ مثالی ذکر شده است که جمله ای با اسناد برد آغاز می شود و به تدریج سایر عناصر به صورت زیر به آن اضافه می شوند.

برد
برد آنجا
کتاب را برد آنجا
جواد کتاب را برد آنجا

در این مثال استفاده از فعل متعدی موجب شده است سه جمله اول ناقص باشند که می توان برای جلوگیری از این مسئله از مثالی با فعل لازم استفاده کرد. از طرفی سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که ملاک تشخیص کامل یا ناقص بودن جمله چیست؟ در صفحه ۸۲ ذیل بخش ۵-۱۲، جمله ابتدایی این پاراگراف یعنی نزدیک بند فقط یک مسندالیه و یک اسناد وجود دارد باید به صورت در یک بند حداکثر یک مسندالیه و تنها یک اسناد وجود دارد تصحیح شود.

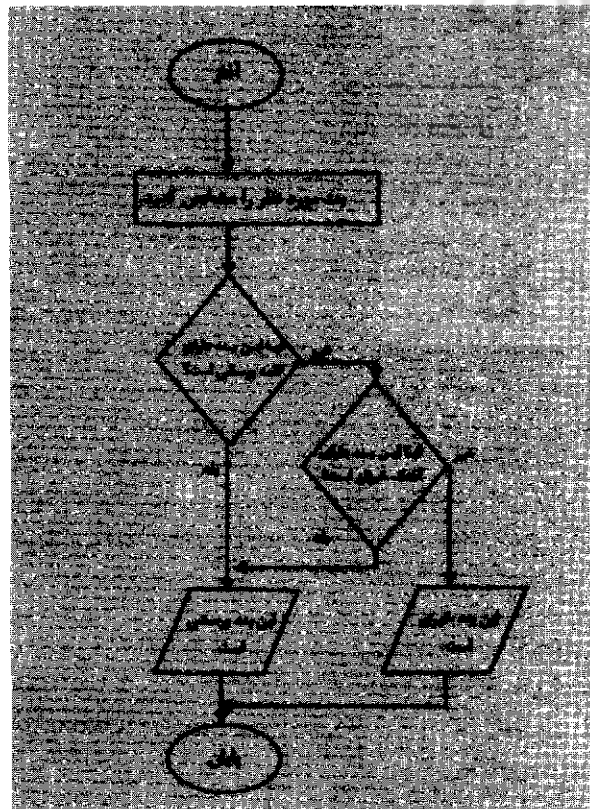
برای ساده شدن نمودار دستگاه پرسشی که بین صفحه های ۸۲ و ۸۳ قرار گرفته است می توان بدون اینکه نمودار دچار نقص شود بخش دستگاه وجه افعال که شامل امری، التزامی، اخباری و غیر شخصی است را حذف کرد و در این فصل وارد بحث وجه فعل نشد؛ زیرا این موضوع به صورت مفصل در فصل ششم مطرح می شود.

نمودار تقسیم بند به دو گونه خبری و پرسشی که در بخش ۵-۱۵ به صورت زیر است:

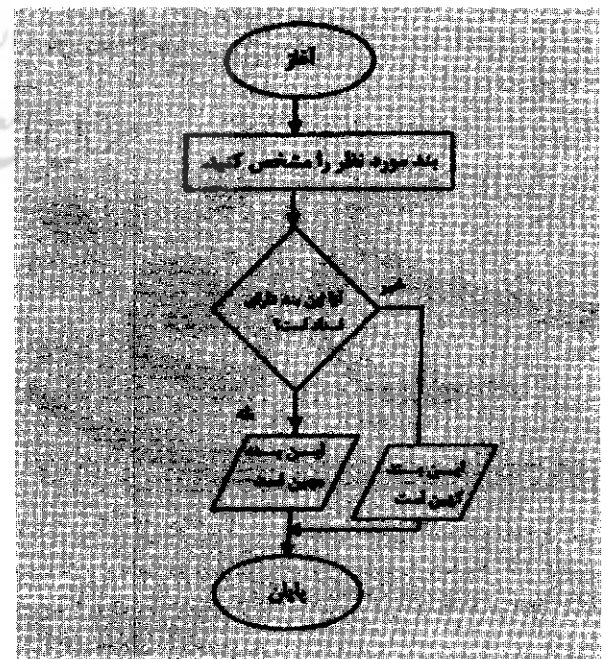


نمودار ۴. تشخیص جایگاه یک گروه اسمی

در بخش ۵-۹ انواع بند از نظر ساخت^{۲۰} به دو بند مهین^{۲۱} و کهن^{۲۲} تقسیم شده است. نمودار زیر نحوه تشخیص این دو نوع بند را مشخص می کند:



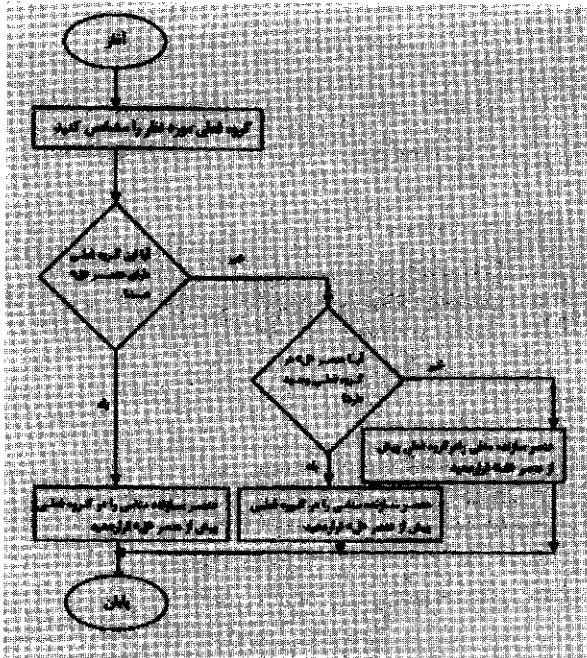
نمودار ۶. تشخیص بند پرسشی و خبری



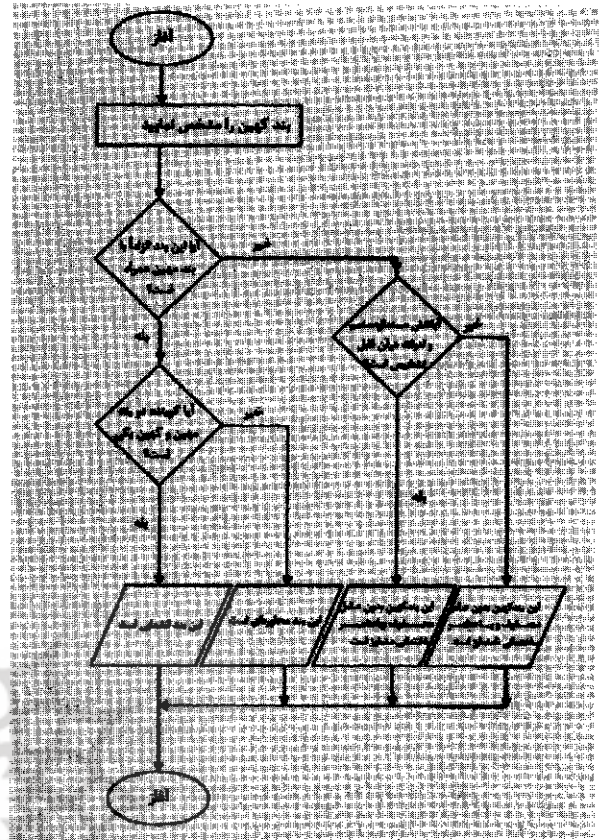
نمودار ۵. تشخیص بند کهن و مهین

فعلی رامی توان با نمودار زیر نشان داد:

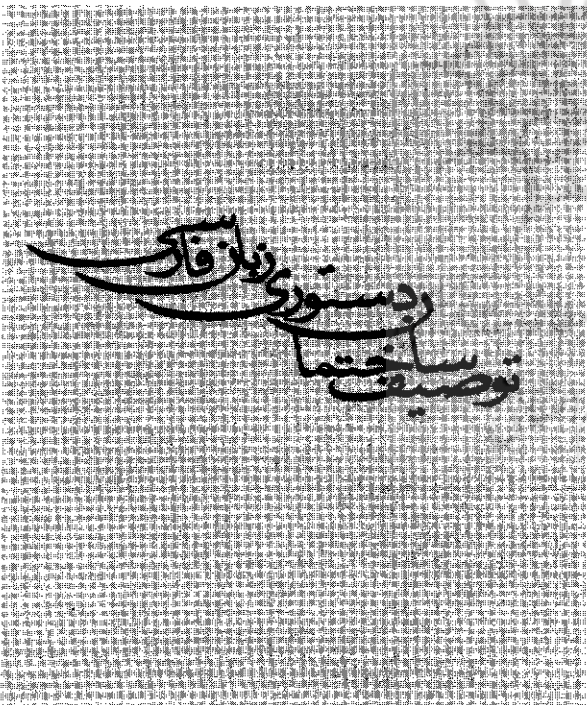
نمودار دسته بندی بندهای کهنین که ذیل بخش ۵-۳۷ مطرح شده است، به صورت زیر است:



نمودار ۸. تعیین جایگاه عنصر سازنده منفی در گروه فعلی

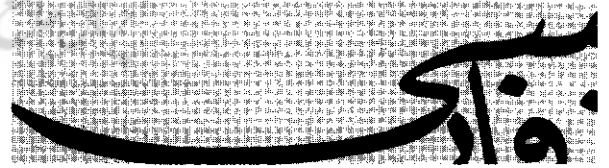


نمودار ۷. دسته بندی بندهای کهنین



فصل ششم. ساختمان گروه فعلی

این فصل به بررسی ساختمان گروه فعلی و دستگاههای مربوط به آن می پردازد. در اینجا نیز تعریف گروه با استفاده از واژه کلمه صورت گرفته است در حالی که کلمه در فصل نهم تعریف می شود.



مثال صفحه ۱۱۲ دارای غلط چاپی است و باید به صورت زیر تصحیح شود:

ن	ق	غ	ف	ل	ح
-	-	-	داشت	-	-
-	-	بر	داشت	-	-
-	باید	بر	داشت	-	-
نه	باید	بر	داشت	-	-
نه	باید	بر	داشته	شود	-
نه	باید	بر	داشته	شده	باشد

در بخش ۶-۱۱، نحوه تعیین جایگاه عنصر سازنده منفی در گروه

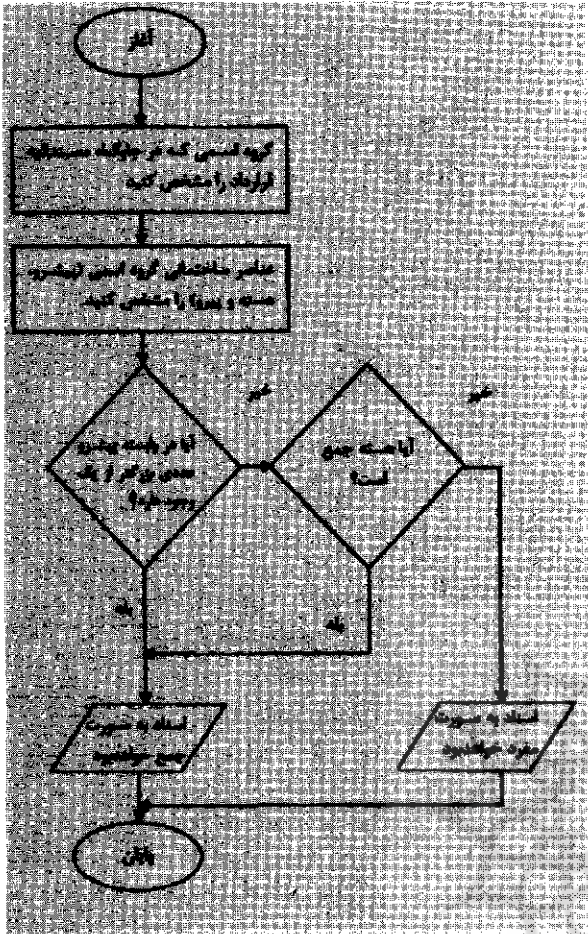
فصل هفتم. ساختمان گروه اسمی

این فصل به بررسی گروه اسمی، عناصر ساختمانی و دستگاههای آن می پردازد.

در بخش ۷-۲ این فصل، عناصر ساختمانی گروه اسمی معرفی و نحوه شناخت آنها بیان می شود. نمودار زیر مراحل تعیین سه عنصر ساختمانی گروه اسمی شامل پیشرو، هسته و پیرو را نشان

می دهد: (در این نمودار متغیر i یک شمارنده است).

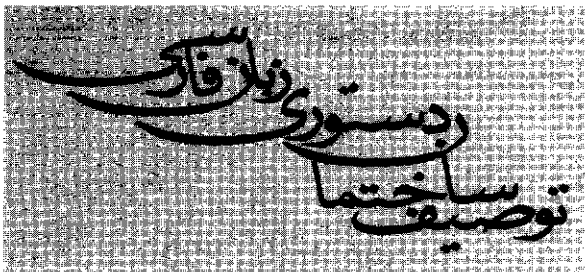
اسمی که در جایگاه مسندالیه قرار دارد را با اسناد نشان می دهد:



نمودار ۱۰. تعیین رابطه عددی مسندالیه و اسناد

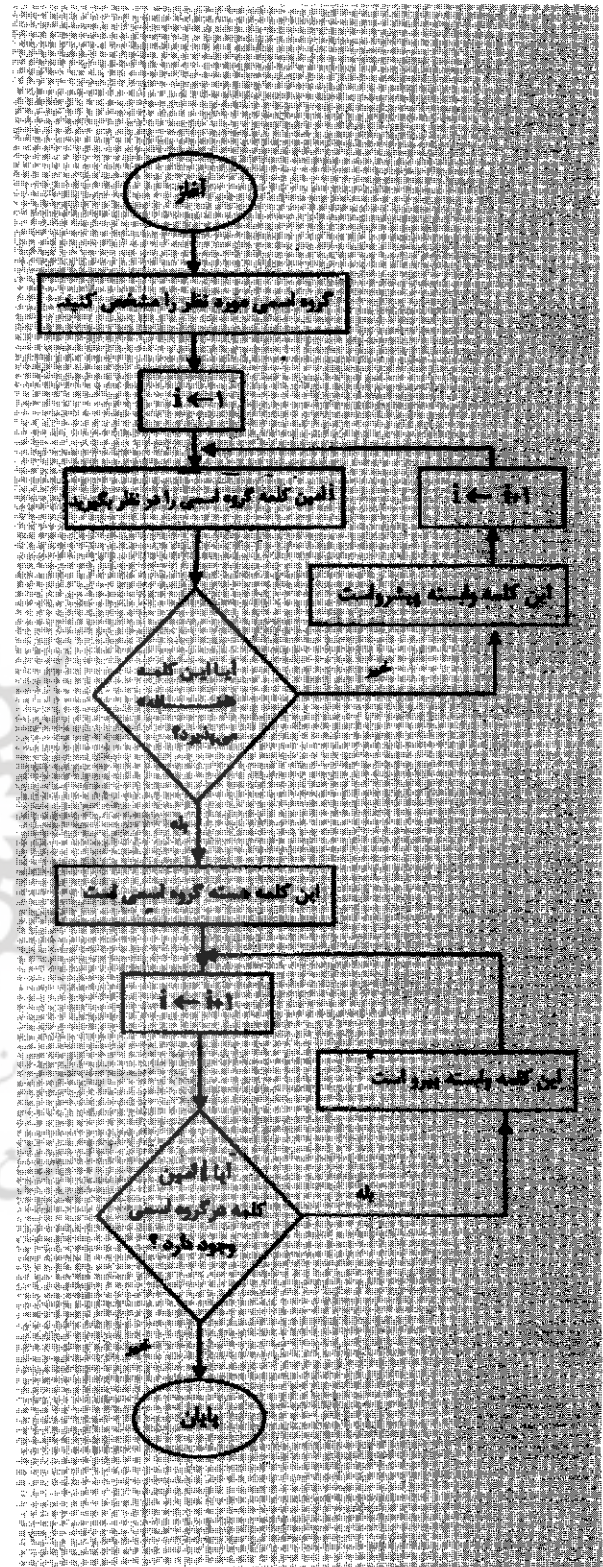
فصل هشتم. ساختمان گروه قیدی

در این فصل ساختمان گروه قیدی و انواع آن مورد بررسی قرار می گیرد. گروه های قیدی به دو بخش بدون علامت صوری شامل طبقه بسته دستوری و طبقه باز وازگان و یا علامت صوری شامل گروه قیدی دارای تئوین عربی و گروه قیدی دارای حرف اضافه تقسیم شده اند.



فصل نهم. ساختمان کلمه

این فصل به معرفی کلمه و عناصر ساختمانی آن می پردازد. در بخش ۹-۲ نحوه شناخت ساختمان کلمه که شامل سه عنصر پیشوند، پایه و پسوند است بیان می شود. نمودار زیر ساختمان کلمه

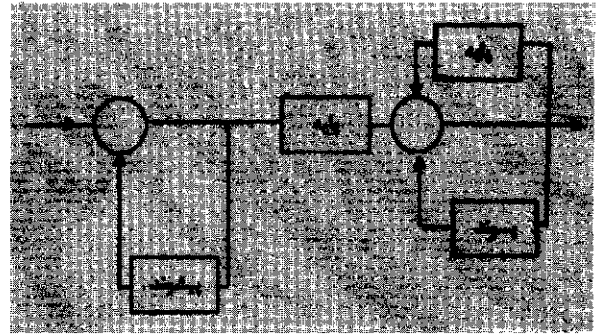


نمودار ۹. تعیین عناصر ساختمانی گروه اسمی (پیشرو، هسته و

پیرو)

یکی از دستگاههایی که در بخش ۷-۱۵ به آن پرداخته شده است، دستگاه عدد است. نمودار زیر رابطه عددی هسته گروه

- 18- Morpheme
- 19- Rank Scale
- 20- Morphology
- 21- Major
- 22- Minor



نمودار ۱۱. ساختمان کلمه

مطابق این نمودار در هر کلمه وجود یک عنصر پایه ضروری است و چنانچه در حلقه های نمودار حرکت بسته داشته باشیم، نشان دهنده وجود پیشوند، پسوند یا پایه دیگری در کلمه خواهد بود.

به عنوان مثال اگر بخواهیم ساختمان کلمه 'بخندانیم' را از روی نمودار ۱۱ نشان دهیم، کافی است در حلقه پیشوند یک حرکت بسته و پس از عبور از عنصر پایه در حلقه پسوند دوبار حرکت بسته داشته باشیم که نشان دهنده ساختمان پ + پا + پس ۱ + پس ۲ خواهد بود.

منابع:

- توصیف ساختمان دستور زبان فارسی، محمدرضا باطنی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- نگاهی تازه به دستور زبان فارسی، محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.

پانوشتها:

- 1- Traditional Grammer
- 2- Structuralism
- 3- Ferdinand de Saussure
- 4- Noam Chomsky
- 5- Syntactic Structures
- 6- Transformational Grammer
- 7- Unit
- 8- Structure
- 9- Class
- 10- System
- 11- Scale of Rank
- 12- Scale of Exponence
- 13- Scale of Delicacy
- 14- Sentence
- 15- Clause
- 16- Phrase
- 17- Word

